

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹

No. 26, Spring & Summer 2020

صص ۱۴۱-۱۶۵ (مقاله پژوهشی)

همنشینی حکمت و کتاب در قرآن و زایش مفهومی نو

غزاله رضایی^۱، احمد غلامعلی^۲، محمد مرادی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۵ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۲۳)

چکیده

کتاب و حکمت دو مفهومی است که در تفاسیر قرآن درباره‌ی آن بحث شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر و اکاوی مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن کریم است. در نگاه جدید ادعا بر آن است که مفهوم حکمت در مواردی که با کتاب همنشین شده است، مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. روش پژوهش در مقاله حاضر تحلیل معنایی و مخاطب شناسی در آیاتی است که حکمت در کتاب آمده است. با تأمل در مخاطبان کتاب و حکمت در سراسر قرآن درمی‌یابیم که پیامبران و امت پیامبر دو مخاطب کتاب و حکمت در طول تاریخ بوده‌اند. از سویی از منظر قرآن برخی قرینه‌ها وجود دارد که حکمت در مواردی که با کتاب همنشین است، تنها به معنای مصطلح لغوی خود مانند منع از جهالت و استواری سخن نیست بلکه معنایی خاص پیدا کرده است. از جمله قرینه‌هایی که در خصوص کاربست حکمت در قرآن وجود دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: بهره‌مندی اختصاصی اول الالباب از حکمت علیرغم عمومیت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت تقلیل الهی، و اکنون حسودانه بیهود به نعمت حکمت و... . بنابر این از مجموع رویکرد تعلیم حکمت به امت پیامبر و تکرار آن به دست می‌آید که دست‌کم یکی از معانی حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت علی علیه السلام است که در قالب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می‌شد.

کلید واژه‌ها: کتاب، حکمت، قرآن، ولایت، مخاطب‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول):

shokret_mehraboon@yahoo.com

a.gholamali110@yahoo.com

moradi_215@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم؛

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث؛ قم؛

مقدمه و بیان مسائل

یکی از موارد مهم و اساسی که نقش به سزاگی در کمالات انسانی دارد، حکمت است که از موضوعات مهم قرآنی است. حکمت از قدیمی‌ترین، پیچیده‌ترین و ارزشمندترین اموری است که در تمامی فرهنگ‌ها نقش تعیین کننده داشته است. اما این مفهوم نزد اقوام و ادیان مختلف و در طول تاریخ، معانی گوناگونی به خود گرفته و حقیقت آن در هاله‌ای از ابهام مستور شده است. (پاشایی، چکیده)

در قرآن کریم نیز، کتاب و حکمت در ۱۰ آیه همنشین شده‌اند و مفسران تفسیرهای متفاوت و متعددی برای آن بیان کرده‌اند. مسئله اساسی این نوشتار مفهوم حکمت در همنشینی کتاب در قرآن کریم است. در این مقاله با تحلیل معنا و مخاطب‌شناسی در آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است، به مفهوم حکمت می‌پردازیم.

مفسران، غالباً ذیل آیه ۲۶۹ سوره بقره، حکمت در قرآن را به معانی متعدد و متفاوتی مانند: عقل، فهم، قضا، شناخت دین، اطاعت از خدا و اصول اخلاقی تفسیر کرده‌اند. (برنجکار، ۳) بنابراین، تعدد و تفاوت معنای حکمت، سبب توجه پژوهشگران به شناخت معنای آن شده است.

در پژوهش‌هایی که به مفهوم حکمت پرداخته‌اند، معانی متفاوتی برای آن مطرح کرده‌اند، برخی براساس ریشه‌یابی لغوی و موارد کاربرد حکمت در قرآن و روایات، مشخصه‌های استحکام و استواری و منع و بازدارندگی با رویکرد اصلاح را دو مشخصه‌ی اصلی حکمت دانسته‌اند. (طالبی، چکیده) و برخی حکمت را بصیرتی بر پایه‌ی ایمان بیان کرده‌اند که نظر و عمل را مطابق حق استوار می‌کند و به دور از خطأ و لغزش است. (پاشایی، چکیده) برخی از دیدگاه لغوی و دینی، حکمت را دانش خطان‌پذیر و مطابق با واقع و واحد معنا کرده‌اند. (برنجکار، ۸) بعضی حکمت را علمی مربوط به کتاب، دین و شریعت (سنن و فرایض) بیان کرده‌اند که خداوند آن را در اختیار انبیا می‌گذارد که آن را به بشر تعلیم دهد و قرآن تعلیم این حکمت را یکی از علل بعثت انبیا می‌داند. (شریفی،

۳۵) همچنین حکمت قرآنی را حکمتی غیراکتسابی و موهبتی الهی می‌داند که خداوند آن را به انبیا و گاه به غیر انبیا عطا می‌کند. (شریفی، چکیده) همچنین در کتابی با عنوان "حکمت چند رویکرد به یک مفهوم" مقالاتی ارزشمند در باب حکمت از دیدگاه فلسفه، اخلاق و دین ترجمه شده است. نویسنده در این کتاب، حکمت را با توصیف حکیم شرح داده، و بر علم، عمل و خوبی که از شاخصه‌های کلی حکمت است تاکید کرده است. طبق بررسی‌های انجام شده، مقاله‌یا کتابی که به صورت خاص به مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن‌کریم پرداخته باشد، به جز مقاله، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت با نگارش محمدکاظم شاکر وجود ندارد، یا دست کم نگارنده به آن دست نیافته است. آقای شاکر همنشینی توامان دو واژه کتاب و حکمت در ده آیه از قرآن کریم را تأمل برانگیز می‌داند که در تفاسیر نزدیک به بیست معنی و مصدق برای این دو کلمه بیان شده است. در این مقاله کتاب به عنوان قولانی الزام آور ادیان آسمانی و حکمت به عنوان عنصر فراتر از شرایع و در تعامل با آن مطرح می‌گردد.

آنچه در پژوهش‌های مشابه یافت شد، بیشتر مفهوم‌شناسی حکمت و تبیین تفسیری آن بوده است. پژوهش حاضر با نگاهی به سیاق، مخاطب‌شناسی و مشخصات حکمت در همنشینی کتاب شکل می‌گیرد. هدف عمدۀ نوشتار حاضر بر جسته‌سازی نقش همنشینی کلمات در ارائه مفهوم جدید است. بنابر این علیرغم معانی مختلف حکمت که بیان شده است سعی در شناخت جامعه هدف حکمت و معنایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به تعلیم آن بوده است؛ بنابراین سوالات زیر شکل می‌گیرد.

۱- جامعه هدف کتاب و حکمت در طول تاریخ چه کسانی بودند؟

۲- معنای کتاب و حکمتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به

تعلیم آن بوده‌اند، چه چیزی است؟

بنابر این بعد از بیان معانی لغوی و اصطلاحی کتاب و حکمت، به آیات در دو بخش

اصلی می‌پردازیم:

۱- آیاتی که انبیا علیهم السلام را دریافت کننده‌ی کتاب و حکمت برمی‌شمارد.

۲- آیاتی که امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تنها معلمان کتاب و حکمت به غیر از انبیا علیهم السلام بر می‌شمارد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. کتاب در لغت

کتاب به معنای ضمیمه سازی چیزی به چیز دیگر (ابن درید، ۱۹۶/۱) و به معنای مکتوب (طبرسی، ۱۱۶/۱) آمده است. احمد بن فارس در این باره می‌نویسد: (ک، ت، ب) اصل صحیح واحد یدل علی جمع شیء الی شیء. (ابن فارس، ۱۵۸/۵) اصل (ک، ت، ب) بر ضمیمه چیزی با چیزی دلالت می‌کند. بنابراین لغت شناسان معنای اصلی "کتاب" را جمع و انصمام دانسته‌اند.

با توجه به معناهای باز گفته: معنای وضعی اوّلیه کتاب، نه نوشتمن و نوشتار است و نه مجموعه‌ی مدون بین دو جلد، این واژه در اصل به معنای انصمام و جمع بین دو چیز وضع شده است. اما در رابطه با ارتباط نوشتمن و انصمام؛ تردیدی نیست که اکنون رایج‌ترین معنا در کاربرد واژه‌ی کتب و مشتقات آن، نوشتمن است. با توجه به اینکه معنای اصلی و «موضوع له» اوّلیه‌ی این واژه، انصمام است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارتباطی بین «نوشتمن» و «انضمایم» وجود دارد؟ راغب اصفهانی، این ارتباط را چنین بیان می‌کند: «و فی التعارف ضمّ الحروف بعضها الی بعض بالخطّ» (راغب، ۶۹۹) در عرف زبان، به انصمام حروف به یکدیگر با خط، کتابت گفته می‌شود.

بنابراین معنای اصلی کتاب جمع و انصمام است که غالباً برای انصمام حروف به یکدیگر به کار می‌رود.

۲-۱. کتاب در قرآن

واژه‌ی «کتاب» در قرآن کریم ۲۴۷ بار در هیئت و ساختار مختلف به کار رفته است. از

جمله معانی کتاب در قرآن، لوح محفوظ، فریضه کردن، حکم راندن، جعل کردن، امر کردن (تفلیسی، ۲۴۸)، کارنامه اعمال انسان و از همه مهم‌تر قرآن، تورات و انجیل است (قاموس، ۳۲۰/۱۴ الی ۳۳۲).

۱-۳. حکمت در لغت

برخی لغتشناسان که به ریشه اصلی واژه‌ها توجه دارند، معنای اصلی و اولیه حکمت را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که حکم (حکم قضائی) از آن مشتق شده و به معنای چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بر همین قیاس است و به معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰/۲) فیومی ضمن تأیید مطالب فوق، بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکمت، حکیم را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. (فیومی، ۱۴۵)

نتیجه این بررسی لغوی نشان می‌دهد: برای حکمت معنای منع و جلوگیری در تمام معانی لغوی ذکر شده، مشترک است. همچنین معنای جلوگیری برای اموری که بار منفی دارند به کار می‌رود.

۱-۴. حکمت در قرآن

واژه‌ی حکمت در قرآن ۲۰ بار به کار رفته است. حکمت از ریشه‌ی "ح، ک، م" است که مشتقات آن ۲۱۰ بار در قرآن آمده است. در تفاسیر برای واژه‌ی حکمت معانی بسیار متعدد و متفاوتی بیان شده است. از جمله این معانی که مفسران برای مفهوم حکمت در قرآن بیان کرده‌اند، عبارت است از: حق به معنای رأی و اعتقاد مطابق با واقع که لازمه آن کمال باشد (علامه طباطبائی، ۲۷۱/۱۹)، معرفت نافع (همو، ۲۱۵/۱۶)، نوعی احکام و انتقام که خللی در آن نباشد و غالباً در عقلیات صادقی که احتمال خطأ در آن راه ندارد، استعمال شود (همو، ۳۹۵/۲)، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نور هدایت

(مکارم شیرازی، ۳۶/۱۷)، علوم قرآن، قول و فعل صادق، دانش دین، نبوت، معرفت به خدا، فهم، ترس از خدا، دانشی که خدا به پیامبران و امت‌هایشان داده که آنها را به معرفت خدا و دین راهنمایی کند و طبرسی بعد از بیان این اقوال، جامع آنها را این معنا می‌داند: علمی که سودش چشمگیر و بسیار باشد (طبرسی، ۶۵۹/۲).

نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد: حکمت در قرآن، مجموعه‌ای بسیار نافع است که در آن خطابی نیست.

۲. مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت

پس از آشنایی با واژه‌های کتاب و حکمت در لغت و قرآن کریم و کاربردهای آن در آرا مفسران، به جاست تا مخاطبان حکمت در قرآن کریم را بررسی کنیم. از آنجا که هدف نگارنده، بررسی حکمت در همنشینی با کتاب است، محوریت، آیاتی هستند که در آن حکمت همنشین کتاب شده است.

۲-۱. انبیاء علیهم السلام

برای فهم بهتر مفهوم حکمت در جایی که با کتاب همنشین است، لازم است شواهد و قرینه‌هایی از چگونگی کاربست آن در قرآن کریم فراهم آوریم. در اینجا شواهدی را گردآورده‌ایم که مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت در تاریخ، انبیاء علیهم السلام بوده‌اند. داود، عیسی، لقمان و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، از انبیایی هستند که در آیات قرآن کریم مخاطب تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند. تعلیم حکمت به انبیاء علیهم السلام در قرآن دارای خصوصیاتی است که در این قسمت به آن می‌پردازیم:

۲-۱-۱. تعلیم دهنده‌ی حکمت به انبیا

تعلیم دهنده‌ی حکمت به انبیاء علیهم السلام در قرآن، خداوند است. برای نمونه در برخی

آیات می خوانیم:

«وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ» (البقره، ۲۵۱) «وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ» (ص، ۲۰) خداوند به

داود علیه السلام حکمت و ملک عطا کرده است.

«وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۴۸) خداوند به عیسیٰ علیه السلام کتاب و

حکمت و... تعلیم داده است.

«أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (النساء، ۱۱۱) خداوند کتاب و حکمت را بر پیامبر

صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد. علاوه بر اینکه در این آیه، خداوند را به عنوان تعلیم

دهنده حکمت به انبیا معرفی می کند، در ادامه بیان می کند، اگر تعلیم کتاب و حکمت از

جانب خداوند نبود، دستیابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کتاب و حکمت

امکان پذیر نبود. «وَعَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ...» (النساء، ۱۱۳). بنابراین تنها تعلیم دهنده

حکمت به انبیا علیهم السلام، خداوند است.

۲-۱-۲. اختصاص تعلیم حکمت به انبیا

در دو آیه اختصاص تعلیم حکمت به انبیا علیهم السلام را بیان می کند. نخست آیه‌ی

۱۱۰ سوره مائدہ را بررسی می کنیم. در ابتدای آیه نعمتی را بیان می کند که به عیسیٰ

علیه السلام و مادرش عنایت شده است «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرِيمَ اذْكُرْ نِعْمَتَنِي عَلَيْكَ وَ

عَلَى وَالِدِتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدْسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا» و در ادامه که سخن

از نعمت تعلیم کتاب و حکمت است، با وجود مقام قداست مریم علیه السلام، مخاطب را

تفجیر می دهد و حضرت عیسیٰ علیه السلام را مخاطب عطای کتاب و حکمت قرار می دهد و

می فرماید: «وَإِذْ عَلَمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتُّورَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (المائدہ، ۱۱۰).

آیه‌ی دیگر، آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی آل عمران است. آیه‌ای که به پیمانی که از انبیا

علیهم السلام در رابطه با کتاب و حکمت گرفته شده است، اشاره می کند: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ

مِثَاقَ النَّبِيِّنَ لَمَّا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ

لَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران، ۸۱) این آیه از میثاقی که گرفته شده است، خبر می‌دهد. در ادامه این آیه خطاب به انبیا می‌فرماید: «قَالَ أَفَرَأَتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي...» که در آیه‌ی ۸۴ همین سوره پاسخ انبیا علیهم السلام را اینگونه بیان می‌کند: فرمود: «قُلْ آمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا...» که نشان می‌دهد میثاقی که گرفته شده، از خود انبیاء گرفته شده است، زیرا میثاق

مردم هم به وسیله انبیا گرفته شده است. (طباطبائی، ۳۳۲/۳)

نکته‌ی جالب توجه اینکه با نظر به میثاقی که در آیه خداوند آن را از پیامبران گرفته است که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، آن گاه پیامبری نزد شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید، گویا آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین تا زمانی که ارسال رسول ادامه دارد، این آگاهی به مردم نمی‌رسد، زیرا اگر غیر نبی آن را دریافت کند و در انحصار انبیا نباشد، این ملاک نمی‌تواند ملاک شناخت نبی بعدی توسط نبی قبلی قرار گیرد.

همچنین از این آیه دریافت می‌شود، عموم انبیا مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند و منحصر در پیامبرانی که در آیات قبل مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند نمی‌شود.

این نکته را نیز یادآوری می‌کنیم، لقمان که درباره‌ی نبوت اختلاف است، در یک آیه مخاطب عطای حکمت است که در این آیه حکمت در کنار کتاب قرار نگرفته است «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان، ۱۲). در قرآن کریم سخن صریحی مبنی بر نبوت و رسالت او به میان نیامده است و اندرزهای او نقل شده است. اما در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح شده که لقمان پیامبر نبود، بلکه فردی بود که بسیار فکر می‌کرد و یقینش نیکو بود و خدا را دوست می‌داشت پس خدا نیز او را دوست داشت و به او حکمت داد. (طبرسی، ۴۹۴/۸) در حدیث دیگری از امام صادق (علیهم السلام) به تفصیل از لقمان سخن گفته است. در این حدیث ضمن بیان شیوه زندگی و فضائل اخلاقی، همین فضائل، دلیل اعطای حکمت از سوی خدا به لقمان ذکر شده است. همچنین بیان شده که

لقمان میان پذیرش خلافت الهی و عدم پذیرش آن مخیر شد، اما آن را پذیرفت و داده بود آن را قبول کرد. نکته مهمی که در این روایت دیده می‌شود، این است که خداوند گذشته از حکمت، عصمت را نیز به او داد. (قمری، ۱۶۲ و ۱۶۳) این روایت بر فرض صدورش از امام، ظاهراً بیانگر این است که خدا روح القدس یا درجه‌ای از آن را که منشأ عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام است، به لقمان داده است؛ اما نبوت و رسالت و امامت را به او نداده است. به همین دلیل است که سخنان او حکمت خوانده می‌شود.

۲-۲. امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

با توجه به آنچه بیان شد پیامبران علیهم السلام دریافت کنندگان کتاب و حکمت از جانب خداوند بودند و در هیچ آیه‌ای ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت خود را نداشتند. خداوند متعال علاوه بر اعطای کتاب و حکمت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان را مامور به تعلیم کتاب و حکمت به امت خود می‌کند. همان طور که ذیل آیه ۸۱ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران «وَإِذَا أَخْذَ اللَّهُ مِيشَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتَؤْمِنُ بِهِ وَ لَتَنْتَصُرُنَّ» بیان شد، آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت، دلیلی بر خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می‌باشد، زیرا با توجه به موارد ذکر شده مبنی بر اینکه، دارا بودن کتاب و حکمت دلیل و رمز شناخت انبیا علیهم السلام بوده است، اگر ایشان آخرین پیامبر الهی نبودند کتاب و حکمت نزد امت قرار نمی‌گرفت. به بیان دیگر دریافت کتاب و حکمت از انحصار پیامبران خارج نمی‌گردید. اما به جهت خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و عدم نیاز به انحصار کتاب و حکمت به انبیا جهت ملاک تشخیص نمی‌بعدی، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مامور به تعلیم آن به امت می‌گردد. در این قسمت برای فهم مفهوم حکمت همنشین کتاب، لازم است به مشخصات کتاب و

حکمتی که در میان انبیا علیهم السلام صرفاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ماموریت تعلیم آن را داشتند، در آیات قرآن کریم بپردازیم.

۱-۲-۱. کتاب و حکمت برای عموم امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

جامعه هدف کتاب و حکمت در امت خاتم المرسلین، قشر خاص و با فضایل خاصی نبوده‌اند و ابلاغ آن جنبه‌ی عمومی داشته است. در آیه‌ای از قرآن کریم، ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال دعایی را طلب می‌نماید و می‌فرماید: «رَبَّنَا وَ أَبَعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتَّلَوُ عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيْهِمْ» (البقره، ۱۲۹) که منظور آن جناب بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم بود، همچنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: من دعای ابراهیم هستم. (صدقه، ۴/۳۶۹) نگارنده تفسیر مجتمع‌البيان نیز این روایت را از حسن، قناده و جمعی از علماء نقل می‌کند. (طبرسی، ۱/۳۹۵).

مرجع ضمیر (هم) با توجه به آیه‌ی قبل «رَبَّنَا وَ أَجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...» امت مسلمان است. (طباطبائی، ۱/۲۹۶)، (طبرسی، ۱/۳۹۵)، (بیضاوی، ۱/۱۰۶) با توجه به آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات «قَالَتِ الْأَغْرَابُ آمَّنَا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكُنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...» که متعرض حال اعراب است که ادعای ایمان می‌کردند، امت مسلمان شامل تمام افرادی که ادعای اسلام داشتند، می‌شود. نگارنده تفسیر المیزان نیز بر این باور است: «این اسلام عبارت از ظاهر اعتقادات، و اعمال دینی است، که ممکن است توأم با واقع باشد یا نباشد، به همین جهت شخصی را هم که دعوی ایمان می‌کند، ولی در واقع ایمان ندارد، شامل می‌شود.» (طباطبائی، ۱/۲۸۶)

آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُّكُمْ...» (البقره، ۲۳۲) که در ابتدای آیه تمام مردان را مخاطب قرار می‌دهد. در آیه‌ای دیگر به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نماید که به دلیل وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منزل ایشان، آیات و حکمت در خانه‌های

ایشان بوده است. «وَ اذْكُرْنَ ما يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آياتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ» (الاحزاب، ۳۴) در آیه‌ی «حِكْمَةٌ بِالِّغَةِ فَمَا تُعْنِ النُّذْرُ» (القمر، ۵) مخاطب حکمت، مشرکان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

بنابر آنچه بیان شد، ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای گروه‌های مختلف و گسترهای بیان شده است و هیچ کدام از آیات، گروه یا افرادی را از آن استثنای نکرده‌اند و حتی کسانی که دعوی اسلام دارند و مشرکان را نیز شامل می‌شود.

۲-۲-۲. عقل وسیله‌ی پذیرش کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
ویژگی دیگری که قرآن برای کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور تعلیم آن به امت بود، بیان می‌کند، پذیرفتن اولوالاباب است. با توجه به آنچه بیان شد، عموم امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مخاطب تعلیم کتاب و حکمت قرار گرفته‌اند، اما در آیه‌ی ۲۶۹ بقره بعد از منوط کردن عطای حکمت به خواست خداوند و خیر کثیر خواندن حکمت می‌فرماید: «وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ». پذیرفتن، متذکر شدن و بهره‌مندی از کتاب و حکمت مخصوص صاحبان خرد است و هر کس به میزان بهره‌مندی از عقل، از حکمت برخوردار می‌شود. همچنین در حدیث مشهوری که در آن جنود عقل و جهل بیان شده است، حکمت از جنود عقل، در مقابل هوی از جنود جهل قرار گرفته است. (کلینی، ۲۲/۱ و حرانی، ۴۰۲) و در احادیث زیادی حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوی، هوس و شهوت ضد عقل بیان گردیده است.

بنابر این حکمت به عموم عرضه می‌شود اما تنها صاحبان خرد به وسیله آن خود را متذکر ساخته و پذیرای آن می‌گردند و هر چه عقل کامل‌تر باشد، بهره‌مندی از حکمت نیز بیشتر است.

۲-۲-۳. ویژگی‌های کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
در چهار آیه از آیات قرآن کریم خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را

مامور به تعلیم کتاب و حکمت می‌فرماید. این ماموریت ناشی از مرتبت زمانی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به سایر انبیا می‌باشد. زمانی که آخرین پیامبر الهی از میان برود، باید در میان بشر چیزی باقی بگذارد تا بشر بتواند با عقلی که نسبت به بشر نسل‌های قبل به تکامل رسیده است برای شناخت راه سعادت به آن تمسک جوید. در این قسمت برای شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور به تعلیم آن به امت بود، به این آیات چهارگانه می‌برداریم:

۲-۳-۱. کتاب و حکمت امری دست نیافتند برای بشر

خداآوند متعال در آیه‌ای از آیات چهارگانه که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعد از «يَتَّلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيْهِمْ وَ يُعَلَّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» می‌فرماید: «وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الجمعه، ۲). بنابراین مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تعلیم کتاب و حکمت، در گمراهی آشکاری بودند. آیه‌ای دیگر از آیات چهارگانه بعد از اشاره به تعلیم کتاب و حکمت بیان می‌کند: «يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (البقره، ۱۵۱) که دلیل دیگری است که بشر (غیر از انبیا علیهم السلام) از کتاب و حکمت آگاهی نداشته است و خداوند به امت خاتم المرسلین منت‌نهاده و کتاب و حکمت داده است. بنابراین اگر تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نباشد، بشر در جهالت باقی می‌ماند و خود توانایی شناسایی و پیمودن هدایت را ندارد.

۲-۳-۲. کتاب و حکمت، در راستای نعمت بزرگ الهی

یکی از آیات چهارگانه‌ای که تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعثت پیامبری که مامور به تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است را منت‌الهی بیان می‌کند: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتَّلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيْهِمْ وَ يُعَلَّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران، ۱۶) بنابراین تعلیم کتاب و

حکمت در راستای نعمت و منتی است که خداوند با بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای مؤمنان قرار داده است. همچنین اشاره می‌کند که قبل از این، بشر در گمراهی آشکار بوده است.

۲-۳-۳. ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت

در سه آیه از آیات چهارگانه‌ای که به تعلیم کتاب و حکمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، مسلمانان به صورت جمعی غائب و در عین حال جامعه‌ی هدف هستند، اما در یک آیه، مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد. در سه آیه‌ای که مسلمانان غائب‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخاطب است و خداوند ماموریت تعلیم را به ایشان واگذار می‌نماید. اما در آیه‌ای که مسلمانان مخاطب هستند، می‌فرماید: «کَمَا أَرْسَلْنَا فِيْكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يُتْلِو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (البقره / ۱۵۱)، در واقع ماموریت تعلیم کتاب و حکمت انجام شده است و خداوند به آن اشاره می‌نماید. سیاق آیه و همچنین آغاز آیه با کاف مشابهت، مخاطب را به آیه‌ی قبل متوجه می‌سازد. در آیه‌ی قبل خداوند می‌فرماید: «وَلَأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ».

علامه طباطبائی در رابطه با «وَلَأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُم» می‌فرماید: «آیه مورد بحث در باره مسئله حج است و وعده اتمام نعمت را به همه مسلمین می‌دهد و می‌فرماید: [عليکم]، و آیه سوره فتح این وعده را تنها به رسول خدا (ص) می‌دهد و می‌فرماید: [وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ] پس سیاق دو آیه مختلف است، و نمی‌شود هر دو مربوط به یک مطلب باشند. حال اگر آیه‌ای باشد که دلالت کند بر اینکه این دو وعده کجا وفا شد؟ آن وقت ممکن است بگوئیم: پس مراد هر دو وعده، همین وعده‌ای است که این آیه از وفا شدن به آن خبر می‌دهد و چنین آیه‌ای اگر باشد آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيْنًا» خواهد بود و اما اینکه نعمت در آن‌چه نعمتی بوده که خدا اتمام کرده؟ و در این آیه منتش را بر ما می‌گذارد.» (طباطبائی، ۱/۳۳۰) آیه شریفه در مورد

ولایت علی(ع) و در روز غدیر خم که قیام دین به حامل شخصی مبدل به قیام به حامل نوعی شد، نازل گشته است. (طباطبائی، ۲۵۴/۵)

بنابراین سیاق آیه و شروع آن با کاف مشابهت و ارجاع به آیه‌ی قبل «وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُم» در کنار نظر علامه مبنی بر اینکه، آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیه‌ی ۱۵۱ بقره و آیه‌ی ۲ سوره‌ی فتح محقق کند آیه‌ی شریفه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» است که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید، دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام است.

۲-۳-۴. کتاب و حکمت، رشك بر انگيز برای یهود

قرآن‌کریم در آیه‌ای حسادت به کتاب و حکمت را بیان می‌کند: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۵۴).

در رابطه با این آیه با چند سوال مواجه هستیم:

۱- چه کسانی حسادت ورزیدند؟

۲- منظور از ناس چه کسانی هستند؟

۳- منظور از آل ابراهیم، چه کسانی هستند؟

۴- آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عطا کرد، چه چیزی بوده است؟

۵- منظور از کتاب و حکمت چیست؟

۶- منظور از ملک عظیم چیست؟

پاسخ سوال اول: با توجه به آیه ۵۱ این سوره، روی سخن یهود است که درباره کافران گفتند: این گروه از اهل ایمان هدایت یافته‌ترند. بنابراین یهودیان حسادت ورزیدند.

پاسخ سوال دوم: در رابطه با منظور از ناس چند احتمال بیان شده است که دو احتمال

آن بیشتر مورد توجه مفسران قرار گرفته است:

- ۱- منظور شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.
- ۲- مقصود پیامبر و آلس می باشد. چنان که از امام باقر (ع) منقول است و مراد از فضل، نبوت پیامبر و امامت آل اوست (طبرسی، ۹۵/۳).

دلایل ترجیح این دو نظر عبارت است از :

- ۱- به دلیل بیان «آل ابراهیم» در ادامه‌ی آیه، منظور از ناس عموم مومنان نمی‌تواند باشد.
- ۲- در آیه‌ی ۳۳ آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ...» منظور از آل ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند.

بنابراین منظور از ناس، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند. با توجه به اینکه (ناس) و همچنین (آل) و ضمیر (هم) که به ناس اشاره دارند، عموماً برای جمع به کار می‌روند، معنای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، برای (ناس) مناسب‌تر است.

- پاسخ سوال سوم: در رابطه با منظور از آل ابراهیم دو احتمال وجود دارد:
۱. مطلق آل ابراهیم «ولاد اسماعیل و اسحاق علیہما السلام» است.
 ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیہم السلام است، که همه از نسل حضرت اسماعیل (علیه السلام) هستند.

مطلق آل ابراهیم قابل پذیرش نیست، به جهت اینکه در این آیه به حسادت یهودیان که از نسل اسحاق هستند، اشاره می‌کند و مناسب نیست در همین آیه آنها را با عطای کتاب و حکمت مدح کند. بنابراین منظور از آل ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیہم السلام هستند.

پاسخ سوال چهارم: با توجه به عطف جمله «مَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ» به جمله‌ی «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» و تکرار فعل (اتی) در هر دو جمله، «آل إِبْرَاهِيم»، بدل از

«هُم» و «الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» همان «مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» است که مورد حسد واقع شده است. بنابراین آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنایت کرده است و محسود بیهود واقع شده است، کتاب و حکمت است.

پاسخ سوال پنجم: روایات بسیاری ذیل این آیه وجود دارد که افرادی که مورد حسد قرار گرفته‌اند را اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می‌کند. امام علی عليه السلام در رابطه با منظور از محسودون در این آیه می‌فرماید: «نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ»^۱ (کلینی، ۱۶۰/۲) امام باقر عليه السلام به صورت متعدد تعابیری مشابه نحن المحسودون در تفسیر این آیه بیان می‌کنند.^۲ (نک: ابن شهر آشوب ۲۱۳/۳، جلایی، ۳۱۴ و ۲۷۶، قندوزی، ۱۲۱ و ۲۷۴، صدقوق، امالی، ۲۷۸/۱، صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

امام صادق عليه السلام در جواب شخصی که در رابطه با منظور از این آیه سوال می‌کند، می‌فرماید: «يَا أَبَا الصَّبَاحِ، نَحْنُ [وَاللَّهُ النَّاسُ] الْمَحْسُودُونَ»^۳ (کلینی، ۱۶۰/۴). در موارد

۱. وعن محمد بن يعقوب: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن (عليه السلام)، في قول الله تبارك و تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ» (کلینی، ۱۶۰/۲)

۲. وقال أبو جعفر (عليه السلام): المراد بالفضل فيه النبوة، وفي على الإمامة. (ابن شهر آشوب، ۲۱۳/۳) و من طريق المخالفين، ما رواه ابن المغازلي: يرفعه إلى محمد بن علي الباقر (عليه السلام) في قوله تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نَحْنُ النَّاسُ، وَاللَّهُ». (جلایی، ۳۱۴ و ۲۷۶ و ۱۲۱ و ۲۷۴) الشيخ في (أمالیه) قال: أخبرنا أبو عمر بن عبد الله بن محمد بن مهدی، قال: أخبرنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمن بن عقدة، قال: حدثنا يعقوب بن يوسف بن زياد، قال: حدثنا أبو غسان، قال: حدثنا مسعود بن سعد، عن جابر، عن أبي جعفر (عليه السلام) أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نَحْنُ النَّاسُ». (صدقوق، امالی، ۲۷۸/۱)

و عنه: عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبي عمیر، عن عمر بن أذينة، عن برد بن معاویة، عن أبي جعفر (عليه السلام)، في قوله تبارك و تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: «فَتَحَنَّ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ الْخَلْقِ جَمِيعًا». و عنه: عن محمد بن الحسين و يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمیر، عن عمر بن أذينة، عن برد العجلی، عن أبي جعفر (عليه السلام)، في قوله تبارك و تعالى: فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا: «فَجَعَلْنَا مِنْهُمُ الرَّسُولَ وَ الْأَئِمَّةَ وَ الْأُئُمَّةَ، فَكَيْفَ يَقُولُونَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ يَنْكِرُونَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام؟)». قلت: فما معنی قوله: وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؟ قال: «الْمَلِكُ الْعَظِيمُ أَنْ جَعَلَ فِيهِمْ أُئُمَّةً، مِنْ أَطَاعُهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مِنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ، فَهُوَ الْمَلِكُ الْعَظِيمُ». (صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

۳. و عنه: عن الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي الصباح، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله عز و جل: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فقال: «يَا أَبَا الصَّبَاحِ، نَحْنُ [وَاللَّهُ النَّاسُ] الْمَحْسُودُونَ» (کلینی، ۱: ۴/۱۶۰).

دیگر نیز به محسود بودن اهل بیت علیهم السلام در این آیه اشاره می‌نمایند.^۱ (کلینی، ۱۴۳/۶ و عیاشی، ۱۵۷/۱ و ۲۴۸/۱ و کلینی، ۱۶۰/۴). امام رضا علیه السلام در رابطه با آیه‌ی مذکور می‌فرماید: «نحن المحسودون». (کلینی، ۱۵۷/۱)

پاسخ سوال ششم: با توجه به سیاق آیه، ملک معنایی فراتر از ملک مادی دارد و شامل ملک معنوی یعنی نبوت و ولایت نیز می‌شود. زیرا خدای عزوجل به ملک مادی اعتنایی ندارد، مگر وقتی که این ملک باعث فضیلت معنوی شود. (طباطبائی، ۳۷۷/۴) در قرآن کریم هرجا که واژه‌ی ملک آمده است در مورد مالکیت خداوند بر آسمان‌ها و زمین است به جز در چند مورد: ملکی که فرعون برای خود می‌پندشت (الزخرف، ۵۱)، ملک سلیمان (البقره، ۱۰۲ و ص، ۳۵)، وعده‌ای که شیطان برای وسوسه آدم به او پیشنهاد می‌دهد (طه، ۱۲۰) و ملکی که به بهشتیان وعده داده شده است (الانسان، ۲۰) که تنها در این آیه ملک را با صفت کبیر آورده است که این حاصل از تفاوت ماهیت ملک دنیاگی و ملک اخروی است، زیرا در آیات قبل ملک بدون صفت آمده بود.

۱. و عنہ: بایسناده عن أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ سَيِّدِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنْ أَبِي الصَّبَاحِ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتْنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ، وَلَنَا صَفْوُ الْمَالِ، وَنَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، وَنَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (کلینی، ۱: ۶/۱۴۳).

عن أَبِي الصَّبَاحِ الْكَنَانِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «يَا أَبَا الصَّبَاحِ، نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتْنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ، وَلَنَا صَفْوُ الْمَالِ، وَنَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، وَنَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِي كَتَابِهِ: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». عن يُونسَ بْنَ ظَبَيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «بَيْنَمَا مُوسَى بْنُ عُمَرَانَ يَنْاجِي رَبِّهِ وَيَكْلِمُهُ إِذْ رَأَى رَجلاً تَحْتَ ظَلِّ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ: يَا رَبِّي، مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظْلَاهُ عَرْشَكَ؟ فَقَالَ: يَا مُوسَى، هَذَا مَنْ لَا يَحْسُدُ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (عیاشی، ۱: ۱۵۷/۲۴۸).

وَعَنْهُ: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنْ حَمَادَ بْنِ عَنْمَانَ، عَنْ أَبِي الصَّبَاحِ، قَالَ: سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فَقَالَ: «يَا أَبَا الصَّبَاحِ، نَحْنُ [وَاللَّهُ النَّاسُ] الْمَحْسُودُونَ». (کلینی، ۱: ۴/۱۶۰).

۲. وَعَنْهُ: عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ (رَحْمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، رَفِعَهُ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ الرَّضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) - فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوْبِيلٍ فِي صَفَةِ الْإِمَامِ - قَالَ: «قَالَ تَعَالَى فِي الْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَعَنْ تَرَتِيهِ وَدَرِيْتِهِ (صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ): أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فِيمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَيِّرًا». وَعَنْهُ: عَنْ عَدَدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قَالَ: «نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ» (کلینی، ۱: ۱۵۷).

در آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ نسا، ملک را با صفت عظیم آورده است که نشان از عظمت و بزرگی این فرمانروایی است. از سوی دیگر در آل ابراهیم تاکنون چنین ملکی را سراغ نداریم، بنابر آنچه بیان شد، این سوال پیش می‌آید که ملک عظیم در این آیه به کدام ملک اشاره می‌کند؟

با توجه به عطف جمله‌ی «وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» به دو جمله‌ی «آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» و «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» و تکرار فعل (اتی) در هر سه جمله و با توجه به معنایی که برای کتاب و حکمت بیان کردیم، می‌توانیم بیان کنیم این ملک عظیم اشاره به حکومت جهانی حضرت حجت علیه السلام دارد. این حکومت به لحاظ وسعت مادی (جهانی بودن) و معنوی (الهی بودن مطلق و احقاق عدالت) مورد توجه قرار گرفته است. روایتی نیز این مطلب را تایید می‌کند.

عن أبي عبد الله (علیه السلام)، في هذه الآية: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا. فقال: «نحن الناس الذين قال الله، و نحن و الله المحسودون، و نحن أهل هذا الملك الذي يعود إلينا». (صفار، ۵۶/۹) امام حسین علیه السلام در بارهی آیه‌ی شریفه ۵۴ نساء می‌فرماید: به خدا سوگند که منظور از محسودون در قول خداوند، ما هستیم و ما اهل این ملکی هستیم که به ما بر می‌گردد. یعود الینا، صراحتا بازگشت ملک را بیان می‌کند و دلیل مناسبی بر دلالت ملک بر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نتیجه بررسی آیات مذکور را می‌توان در چند مطلب کلی خلاصه کرد:

- ۱- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان تنها پیامبری بود که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت را به امت خود و مدعیان اسلام و حتی مشرکان و مخالفان داشت.
- ۲- کتاب و حکمت به عموم مردم ابلاغ می‌شود اما به جز اول الالباب از آن متذکر و بهره‌مند نمی‌شوند.
- ۳- ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از

جانب خداوند، امری لازم و موکد است.

۴- کتاب و حکمت نعمتی الهی است که اگر از جانب خداوند و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ نشده بود، بشر امکان دستیابی و بهره مندی از آن را نداشت.

۵- آغاز تنها آیه‌ای که با ضمیر مخاطب به تعلیم کتاب و حکمت اشاره دارد با کاف مشابهت با آیه قبل که می‌فرماید: «وَيُتْمِّ نِعْمَةً عَلَيْكَ» ارتباط دارد. براساس نظر علامه آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیه‌ی ۱۵۱ بقره و آیه‌ی ۲ سوره‌ی فتح محقق کند آیه‌ی شریفه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» است و این آیه به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید که دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۶- اختصاص کتاب و حکمت و ملک عظیم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، مورد حسادت یهودیان قرار گرفت. همچنین روایات متعددی به محسود بودن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نمایند.

۷- اعطای ملک عظیمی که در قرآن برای آل ابراهیم بیان می‌کند، با توجه به شواهد ذکر شده، می‌تواند حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف باشد.

آیات موبید

در این قسمت آیاتی که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، به عنوان موید برای ادعای مقاله اشاره می‌نماییم.

۱- «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشُوْهُمْ وَ اخْشُوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». (المائدہ، ۳)

علامه طباطبائی در رابطه با اثبات عقلی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِی» با ولایت امام علی علیه السلام معتقد است: «تمامیت یاس کفار باید به خاطر عاملی باشد که عقل آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند، و آن این است که خدای سبحان برای

این دین کسی را نصب کند که قائم مقام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت متدین کار خود آن جناب را انجام دهد، به نحوی که خلای برای آرزوی شوم کفار باقی نماند، و کفار برای همیشه از ضربه زدن به اسلام مایوس شوند. زیرا اگر دین قائم به شخص معین باشد، دشمنان آن می‌توانند این آرزو را در سر بپورانند، که با از بین رفتن آن شخص دین هم از بین برود، ولی وقتی قیام به حاملی شخصی، مبدل به قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد، و از حالت حدوث به حالت بقاء متحول گشته، نعمت این دین تمام می‌شود و این وجه خود مؤید روایاتی است که می‌گوید آیه شریفه مورد بحث در روز غدیر خم در مورد ولايت علی (ع) نازل شد.» (طباطبائی، ۱۸۲/۵)

۲- «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (المائدہ، ۶۷)

روایاتی از طرق اهل تسنن و شیعه وارد شده است که بیان می‌کند: آیه شریفه در باره ولايت علی (علیه السلام) نازل شده و خداوند، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را مامور به تبلیغ آن نموده است و ایشان در غدیر خم آن را عملی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» یعنی هر که من مولای اویم، این - علی بن ابی طالب - نیز مولای اوست. (طبرسی ۲۲۳/۳)

وجه ارتباط این آیات که ابلاغ ولايت امام علی علیه السلام، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کند با مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولايت علی بن ابی طالب علیه السلام، در چند مطلب است:

۱- اصل ماموریت ابلاغ ولايت علی بن ابی طالب علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این پژوهش به آن می‌پردازد، مسئله‌ای قابل پذیرش در آیات قرآن کریم است که در آیات موید به آن پرداختیم.

۲- در آیات چهارگانه ای که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به پیامبر صلی الله علیه و

آله و سلم را بیان می‌کند، تعلیم حکمت، به لحاظ ترتیب آخرين مرحله از ماموریت و بعد از امر ایشان به تلاوت آیات الهی، ترکیه و تعلیم کتاب آمده است. آیات مؤید نیز که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام اشاره می‌نماید، از آیات سوره‌ی مائدہ است که اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند که سوره مائدہ در اوخر ایام حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آن حضرت نازل شده و در روایات شیعه و سنی هم آمده که در سوره مائدہ ناسخ هست ولی متسوخ نیست، چون بعد از مائدہ چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند (طباطبائی، ۱۵۷/۵). علاوه بر اینکه در آیه‌ی ۳ مائدہ، ابلاغ ولایت را با عنوان اکمال دین و اتمام نعمت بیان می‌کند که نشان می‌دهد آخرين مرحله‌ی ماموریت ایشان است.

بنابراین پذیرش اصل ماموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند برای ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیهم السلام و قرار گرفتن آن به عنوان اتمام و آخرين مرحله ماموریت نبوی، به پذیرش این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام کمک می‌کند.

روایت مؤید

علاوه بر روایاتی که ذیل آیه ۵۴ نساء اشاره نمودیم، مبنی بر اینکه محسود یهود، اهل بیت (علیهم السلام) بودند و روایتی که ذیل «وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» آوردیم مبنی بر اینکه ملک اشاره به حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرحه الشریف) است، روایت دیگری صریحاً به قرآن و عترت علیهم السلام اشاره می‌نمایند:

روایتی در تفسیر فرات: [فرات بن إبراهیم الکوفی] قال حدثی جعفر بن محمد الفزاری [قال حدثی محمد بن أَحْمَدَ الْمَأْنَى قال حدثی هارون بن مسلم عن الحسین بن علوان [حیلولة] قال [و] حدثی الفضل بن یوسف قال حدثی عبد الملک بن مروان عن الكلبی عن أبي صالح] عن ابن عباس رضی الله عنه فی قوله [تعالی] هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمَمِ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتَلَوَ عَلَيْهِمْ آیاتِهِ وَ يُزَكِّیهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ [آلیة] قال الكتاب القرآن و

الحكمة ولاية على بن أبي طالب عليه السلام. (فرات کوفی، ص ۴۷۳).

البته این روایت دلیل مستقل بر پذیرش مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام نیست و دلایل قرآنی و روایی آن در قسمت‌های قبل آمده است. این روایت به عنوان موید بر مدعای این پژوهش است.

نتایج مقاله

کتاب و حکمت در آیات متعددی از قرآن کریم همنشین شده‌اند و در تفاسیر، معانی متعدد و متفاوتی برای آن‌ها وجود دارد. اما مفهوم حکمت در همنشینی کتاب مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. این نوشتار با مخاطب شناسی آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است و شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمت در آیات، مفهوم حکمت همنشین کتاب را اینگونه به دست آورد:

در هر آیه‌ای از قرآن کریم که کتاب و حکمت در کنار هم آمده‌اند، دریافت کننده آن دو، انبیاء (علیهم السلام) هستند، به جز امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که ایشان مامور به تعلیم کتاب و حکمت به آنها بودند. اما تا قبل از ایشان، انبیا علیهم السلام تنها دریافت‌کنندگان حکمت از جانب خداوند بودند و آگاهی از کتاب و حکمت رمز و دلیل نبوت و ملکی جهت تشخیص پیامبر بعدی توسط پیامبر قبلی بود و حتی مریم علیها السلام با مقام قداست از این امر مستثنی نبود. همچنین حکمت بدون هم‌جواری با کتاب در قرآن نیز، تنها برای دوگروه نامبرده آمده است. به جز در یک مورد که حکمت برای لقمان به کار رفته که در مورد نبوت او اختلاف است. البته اگر نبوت او را نپذیریم منافاتی با ادعای پژوهش حاضر ندارد؛ زیرا حکمت در همنشینی با کتاب مدنظر ما است. اما پرداختن به واژه حکمت به تنها بی، موید ما برای اثبات دست نیافتنی بودن آن برای عموم افراد است.

با توجه به آیات و روایات مرتبط با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تطبیق

تعلیم قرآن با تعلیم کتاب امری روشن و واضح است. اما در رابطه با معنای حکمتی که در کنار کتاب آمده است، تفاسیر مختلفی شده است که بررسی خصوصیت حکمت در کل آیاتی که این دو مؤلفه را در کنار دارد، رسیدن به معنای واحد را ممکن می سازد. این خصوصیات عبارتند از: بهره مندی اختصاصی اولوالالباب از حکمت علیرغم عمومیت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت ثقلیل الهی، واکنش حسودانه یهود به نعمت حکمت و... . بنابر این از مجموع تخصیص تعلیم حکمت به انبیا علیهم السلام و امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تکرار آن به دست می آید که معنای حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است که در قالب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می شد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن شهرآشوب، أبو جعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ق.
۶. ابن فارس، احمد، معجم مقایيس اللغه، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. الاذری البصیری، ابیکر محمد بن حسن، جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم للملايين، ۱۹۸۷م.
۸. برنجکار، رضا، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، فصلنامه مبین، ۱۳۸۸، ۱۳۸۸،
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیا التراث العربي، ۱۴۱۸ق.
۱۰. پاشایی، حسن، بررسی تطبیقی مفهوم حکمت در قرآن و عهدهن، پایان نامه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹ش.
۱۱. تفليسی، حبیش بن ابراهیم، وجوه قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۵۹ش.
۱۲. جلایی، علی بن محمد، مذاق الإمام علی بن ابی طالب، تصحیح محمد باقر بھبودی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۴ق.
۱۳. حسینی، مالک، حکمت چند رویکرد به یک مفهوم، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۸ش.
۱۴. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. شاکر، محمد کاظم، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت، مجله پژوهش دینی، ۱۳۸۰، ش. ۳.
۱۶. شریفی، مهین، بررسی واژه حکمت در قرآن، نشریه بینات، ۱۳۷۹، ش. ۲۵.
۱۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. طالبی، سیدعلی، مفهوم شناسی حکمت در کتاب و سنت با تاکید بر آراء فلاسفه مسلمان، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ش.
۱۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به ترجمه: گروه مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.

۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۱ق.
۲۲. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینایع الموده لذوی القریبی*، نجف اشرف: چاپخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

